



Relationship between Social Capital and Tax Avoidance in Companies in Tehran Stock Exchange

Ghodratollah Barzegar (Ph.D)*
Jamil Ebrahimi**

Abstract

Objective: This study aimed to investigate the relationship between social capital and tax avoidance of the companies listed in the Tehran Stock Exchange, TSE, in the years 2005-2016.

Method: In this study, a sample consisting of 103 companies was reviewed by document mining method, and inferential data analysis method was used to analyze the data. Eviews software and Panel Data method were used to test the research hypothesis.

Result: Findings showed that there is no relationship between social capital and tax avoidance in the TSE. The results also indicated that social capital has a negative correlation with tax avoidance based on tax expense. However, this relationship is not significant, and also, social capital is not related to the amount of tax payment of company.

Conclusion: The results indicate that companies do not consider the external environment and the society in which they are active, when they are involved in taking internal decisions such as tax avoidance, and that low and high levels of social capital cannot affect the decisions on corporate tax avoidance in the firms.

Keywords: *Tax Avoidance, Social Capital, Peer Companies, Social Norms.*

Citation: Barzegar, Gh., Ebrahimi, J. (2019). Relationship between social capital and tax avoidance in companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 37(2), 183-220.

*Assistant Professor of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

** Ph.D Student in Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Corresponding Author: Ghodratollah Barzegar (Email: ghabarzegar@gmail.com).

Submitted: 04 July 2018

Accepted: 27 February 2019

DOI: 10.22103/jak.2019.12400.2736

رابطه بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر قدرت‌اله برزگر*

جمیل ابراهیمی**

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۵ انجام شده است.

روش: در این پژوهش، نمونه‌ای شامل ۱۰۳ شرکت مورد بررسی قرار گرفت که اطلاعات آنها با استفاده از روش اسنادکاوی و مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی به دست آمد و روش تحلیل داده‌ها از نوع استنباطی است. برای آزمون فرضیه پژوهش از الگوی داده‌های ترکیبی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان‌دهنده عدم ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که سرمایه اجتماعی ارتباط منفی با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات شرکت دارد ولی این ارتباط معنادار نیست و همچنین سرمایه اجتماعی ارتباطی با میزان مالیات پرداختی توسط شرکت ندارد.

* استادیار حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: قدرت‌اله برزگر (Email: ghabarzegar@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۸

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر این نکته هستند که شرکت‌ها برای تصمیمات داخلی سازمانی خود، همچون تصمیمات مربوط به اجتناب مالیاتی، توجهی به خارج شرکت و جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، ندارند و بالا یا پایین بودن سرمایه اجتماعی نمی‌تواند تصمیمات مربوط به اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، سرمایه اجتماعی، هم‌تایان شرکتی، هنجارهای اجتماعی.

مقدمه

سرمایه اجتماعی، موضوع پژوهشی گسترده‌ای در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و مباحث مالیاتی است. موضوع اصلی که از این مطالعات به دست می‌آید، این است که سرمایه اجتماعی، رفتارهای ناسازگار و انحرافی در جامعه را محدود می‌کند. شواهد زیادی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی موجود در جامعه، رفتارهای اجتماعی و اقتصادی افراد آن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مثلاً گیسو و همکاران، ۲۰۰۴؛ بونانو و همکاران، ۲۰۰۹).

سرمایه اجتماعی یک مفهوم گسترده تعریف شده است که اغلب شامل هنجارهای اعتماد و همکاری است (مانند اسکریونس و اسمیت، ۲۰۱۳) و از این رو اندازه‌گیری آن ساده نیست (لینس و همکاران، ۲۰۱۷). بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را به مثابه مؤسسات، روابط و هنجارهایی تعریف می‌کند که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را در یک جامعه شکل می‌دهد. شعبانی و همکاران (۱۳۹۲)، بعد از تعریف «سرمایه» (به نقل از نان، ۲۰۰۴؛ نجارزاده و همکاران، ۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی را یک سرمایه حاصل از شبکه‌سازی انسانی تعریف کردند که توسط آن جریان تولید و خدمات روان و آسان می‌شود.

یک پژوهش در حوزه OECD (اسکریونس و اسمیت، ۲۰۱۳) سرمایه اجتماعی را به چهار بُعد تقسیم بندی می‌کند که عبارتند از: (۱) روابط شخصی، (۲) حمایت از شبکه‌های اجتماعی، (۳) مشارکت مدنی و (۴) هنجارهای اعتماد و همکاری. دو مورد اول اغلب در جامعه‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دو مورد دیگر اغلب در سیاست و اقتصاد استفاده شده‌اند (لینس و

همکاران، ۲۰۱۷). جنبه مشارکت مدنی سرمایه اجتماعی به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که تأثیر مثبتی بر جامعه و زندگی اجتماعی (مثلاً مشارکت داوطلبانه، مشارکت سیاسی، کمک‌های مالی) دارد (اسکریونس و اسمیت، ۲۰۱۳). مشارکت مدنی می‌تواند منجر به نتایج مثبتی همچون تقویت هنجارهای اعتماد و همکاری، به‌ویژه همکاری متقابل گردد (لینس و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین سرمایه اجتماعی با استفاده از ارتقای اعتماد و مشارکت گروهی و بعد از آن کاهش ریسک و نگرانی‌ها در تعاملات پیچیده و کاهش نیاز به تضمین در اجرا، ساده‌سازی در مبادله اطلاعات، ارتقای مهارت‌های اجتماعی افراد، ارتقای میزان مشارکت‌های گروهی و سازمانی مولد و غیره در بهبود وضعیت اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲).

در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی انجام شده است، ویژگی‌های خاص شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (حسینی القار و شعری آنایز، ۱۳۹۶)، ولی اخیراً اثرات خارج از شرکتی همچون سرمایه اجتماعی نیز بر متغیرهای داخل شرکتی همچون اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است (حسن و همکاران، ۲۰۱۷). در این پژوهش از دو طریق اقدام به بررسی اقدامات اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کردیم: نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی برای تسریع پیامدهای گسترده اقدامات اجتناب مالیاتی که منجر به کاهش مالیات شرکت در ارتباط با سود قبل از مالیات می‌شوند، مورد استفاده قرار گرفتند. به هر حال، شواهد کمی وجود دارد که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در بُعد کلیت جامعه بر تصمیم‌گیری شرکت‌های فعال در آن جامعه پرداخته باشد. در گذشته برخی مطالعات از مسئولیت اجتماعی به عنوان عاملی جهت سنجش سرمایه اجتماعی برای بُعد داخل شرکتی آن استفاده کرده بودند (لینس و همکاران، ۲۰۱۷). در این پژوهش تأثیر بُعد خارجی سرمایه اجتماعی یعنی میزان سرمایه اجتماعی موجود در جامعه و ارتباط آن با اقدامات اجتناب مالیاتی انجام شده توسط شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مطالعه شده است. یافته‌های این

پژوهش می‌تواند در درک اهمیت محیط اجتماعی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های شرکت‌ها و رفتارهای آنان در حوزه مالیاتی کمک کند. تا به امروز موضوعات متعددی درباره اجتناب مالیاتی شرکت‌ها صورت گرفته است، اما هیچکدام از تحقیقات به عوامل محیطی همچون سرمایه اجتماعی که دارای اهمیت فراوان است، پرداخته‌اند. با توجه به این موضوع که هیچ‌گونه پژوهشی، اثر سرمایه اجتماعی را بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها در ایران مورد بررسی قرار نداده است و در نتیجه خلاء پژوهشی موجود در این مبحث، نیاز است که این پژوهش انجام گیرد تا بتوان اثر تغییرات سرمایه اجتماعی در طول سال‌های مختلف را بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش بیانگر میزان اهمیت بُعد خارج شرکتی سرمایه اجتماعی در تصمیمات اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

بر این اساس در ادامه پس از مرور مبانی نظری پژوهش، فرضیه پژوهش بیان می‌شود و سپس پیشینه تحقیقات گذشته داخل و خارج، روش پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود و سپس آزمون‌های حساسیت برای پشتیبانی از نتایج به دست آمده ارائه خواهد شد. در پایان به ارائه نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش خواهیم پرداخت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سرمایه اجتماعی و الگوهای اندازه‌گیری آن

تحقیقات قبلی تعاریف عملیاتی متنوعی را برای سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند (روپاسینگها و همکاران، ۲۰۰۶) و دریافته‌اند که سرمایه اجتماعی در یک محیط، عاملی مؤثر بر رفتارهای فردی و سازمانی است. گیسو و همکاران (۲۰۱۱)، مطالعاتی را مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که تعاریف ارائه شده برای سرمایه اجتماعی، مبهم و دارای گستردگی بیش از حدی بوده و استدلال می‌کنند که تحقیقات اقتصادی سرمایه اجتماعی با استفاده از این تعریف سرمایه

اجتماعی که «عبارت است از مجموعه‌ای از مقادیر و باورها که منجر به همکاری می‌شود» مفید هستند.

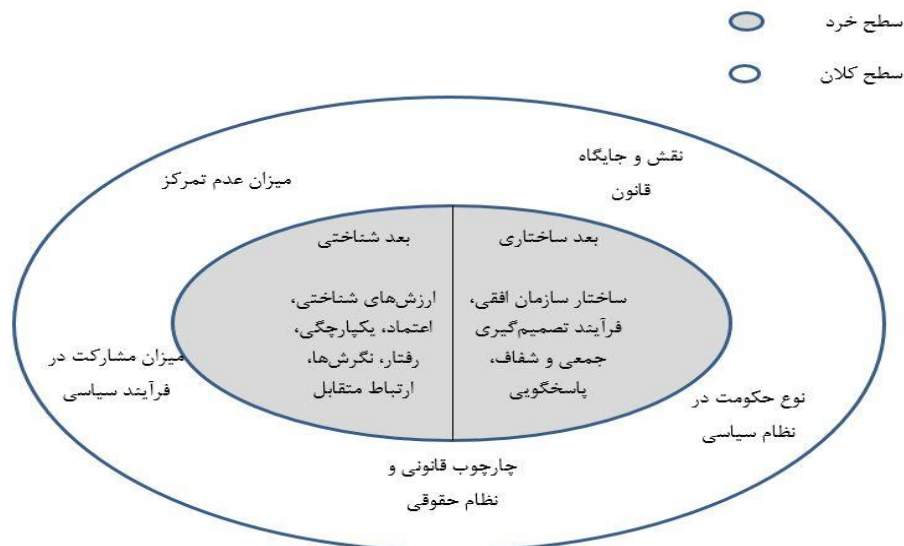
سرمایه اجتماعی شرکت‌ها در برخی از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است و برای آن از مسئولیت‌های اجتماعی شرکت به عنوان سرمایه اجتماعی در سطح شرکت استفاده شده است (لینس و همکاران، ۲۰۱۷). اما در این پژوهش هدف، بررسی بُعد اجتماعی و خارج شرکتی آن است. به عبارتی دیگر سرمایه اجتماعی از ابعاد بیرون از شرکت یعنی بُعد کلان آن مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر آن بر فعالیت‌های شرکتی که در آن جامعه فعالیت می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با فراهم کردن یک مجموعه از باورهای رایج در جامعه و یک سیستم ارزیابی برای افرادی که اقدام به قضاوت می‌کنند، هنجارهای مدنی می‌توانند منجر به محدود شدن رفتارهای سازمان‌ها و اشخاص شوند که شامل رفتارهای شرکت‌ها نیز است و به عنوان استانداردهای قابل قبول یا مناسب، یا باورهای مرتبط با هنجارهای تجویزی شناخته می‌شوند (بونانو و همکاران، ۲۰۰۹). با این اوصاف، چگونه هنجارهای مدنی که به ارتباطات و تعاملات میان افراد در جوامع بستگی دارد، با شرکت ارتباط برقرار کرده و در تصمیمات آنها اثر می‌گذارند؟ کولمن (۱۹۸۸)، استدلال می‌کند که «سرمایه اجتماعی در بطن ارتباطات بین افراد وجود دارد» زیرا تعاملات مکرر اجتماعی و شبکه‌های متراکم بین مردم منجر به اشتراک گذاری بیشتر و موثرتر اطلاعات شده و به نوبه خود می‌تواند به برقراری ارتباط بهتر و اجرای هنجارهای تجویزی منجر شود. علاوه بر این، پاتنام (۱۹۹۴) استدلال می‌کند که روابط اجتماعی افقی در میان مردم به احتمال زیاد باعث ایجاد همکاری، همبستگی و روحیه عمومی می‌شود. زیرا این روابط اجتماعی، تعاملات و ارتباطات را در داخل و اطراف شبکه‌هایی که حتی دارای منافع نیستند یا اینکه تضاد منافع ندارند، به وجود می‌آورد.

برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی الگوهای مختلفی وجود دارد که شامل الگوهای کمی و کیفی هستند. برای الگوهای کیفی می‌توان الگوهایی همچون «الگوی ابزار ارزیابی سرمایه اجتماعی»^۱ (SCAT) و «الگوی مرکز تحقیقات و آموزش ناحیه استرالیا»^۲ (CRLRA) را نام برد و از مهم‌ترین الگوهای کیفی به شمار می‌آیند (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱).

الگوی کیفی SCAT برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

این الگو توسط بین و هیکس (۱۹۹۸) مطرح شد و بعد از آنها توسط کریشنا و شرادر (۱۹۹۹) توسعه داده شد. این الگو به الگوی «ابزار ارزیابی سرمایه اجتماعی» شناخته شده است و سرمایه اجتماعی را در ابعاد سازمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این الگو، سرمایه اجتماعی دارای ابعاد خرد و کلان است که منظور از سطح کلان آن، محیطی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند و در برگیرنده نقش قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت و نظام سیاسی، سطح عدم تمرکز و مشارکت سیاسی افراد در سیاست‌های کلان است. سطح خرد نیز خود به دو قسمت تقسیم می‌شود که شامل بعد شناختی و بعد ساختاری است. بعد ساختاری شامل ساختارها و شبکه‌هایی است که در برگیرنده تصمیم‌گیری‌های جمعی و روشن، رهبران پاسخگو و مسئولیت متقابل است (رنانی و دلیری، ۱۳۸۸).



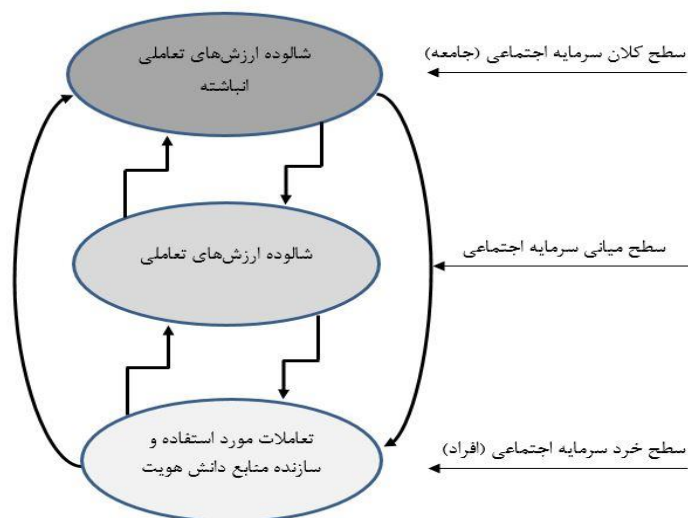
نمودار ۱. الگوی SCAT در تقسیم‌بندی سرمایه اجتماعی (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱)

الگوی کیفی CRLRA برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

این الگو توسط فالك و کیلپاتریک (۲۰۰۰) معرفی شد و دارای سه سطح خرد، میانی و کلان سرمایه اجتماعی است. در سطح خرد، اساس تشکیل سرمایه اجتماعی بر پایه تعاملات آموزشی و یادگیری افراد جامعه است. از نظر این محققان، جهان اجتماعی توسط عملگرهای اجتماعی تشکیل شده و مفاهیم اولیه در تعاملات را پدید می‌آورند که همان سرمایه اجتماعی در سطح میانی و کلان است که در درون گروه‌های دارای عضو تشکیل می‌گردد. تعاملات یادگیری در سطح خرد با استفاده از مفاهیم تشکیل می‌شود و در سطوح میانی و کلان سرمایه اجتماعی صورت گرفته و به آن می‌افزاید و در جهت انباشت سرمایه اجتماعی در این سطوح عمل می‌کند (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱).

الگوی «مرکز تحقیقات و آموزش ناحیه استرالیا» که به الگوی CRLRA شناخته شده است، از تئوری منابع اجتماعی نشأت می‌گیرد. طبق این تئوری، پیوندهای موجود در شبکه

بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نیست (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵) و تنها منابع موجود در درون شبکه می‌تواند به عنوان یک سرمایه در نظر گرفته شود. در نتیجه بر اساس این الگو، سرمایه اجتماعی در برگیرنده منابعی است که ظرفیت جامعه و سازمان را افزایش می‌دهد. در سطوح فردی این منابع شامل شناخت و هویت هستند (رنانی و همکاران، ۱۳۸۹). منابع شناخت و دانش به معنای دانستن منبع اطلاعات و شیوه انجام کار یا برطرف ساختن مشکلات به وجود آمده در شبکه است. منابع هویت به هنجارها و ارزش‌ها اشاره دارد یا به عبارتی دیگر منبع هویت به این موضوع می‌پردازد که افراد تا چه اندازه بینش‌ها و ارزش‌های مشترک دارند و قادر به کار با دیگران هستند. این منابع هویت و دانش در سطوح سازمان و اجتماع با یکدیگر ترکیب شده و منبعی از سرمایه اجتماعی برای آن سازمان و اجتماع به وجود می‌آورند که در سطح میانی به زیرساخت‌های ارزشی و تعاملی سازمان ارتباط داشته و در سطح کلان به زیرساخت‌های مرادده‌ای و ارتباط جمعی ختم می‌شود (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱).



نمودار ۲. ارتباط بین سطوح مختلف سرمایه اجتماعی (فالک و کیلیپاتریک، ۲۰۰۰)

الگوهای کمی ارائه شده برای سرمایه اجتماعی

علاوه بر الگوهای کیفی ارائه شده در فوق، الگوهای کمی نیز برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است. از جمله الگوهای کمی که برای سرمایه اجتماعی می توان به الگوی ارائه شده توسط پاتنام (۱۹۹۵) اشاره داشت. در این الگو، سرمایه اجتماعی با استفاده از تعداد گروه های اجتماعی و تعداد اعضای این گروه ها در قالب الگوی زیر اندازه گیری شد:

$$SC = \sum_{i=0}^t N_i$$

در الگوی فوق N همان تعداد اعضای هر گروه، و i نیز نوع گروه را نشان می دهد. بعد از پاتنام، فوکویاما (۱۹۹۹)، با افزودن متغیرهای دیگری الگوی زیر را برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی معرفی کرد:

$$SC = \sum_{i=0}^t \left(\frac{1}{R_n}\right) R_p C N_i$$

در این الگو، C بیانگر ضریب انسجام داخلی گروه، R_p نشان دهنده شعاع اعتماد در گروه و R_n شعاع بی اعتمادی به گروه های دیگر است.

سرمایه اجتماعی و فعالیت های اجتناب مالیاتی

شواهدی وجود دارد که افراد در کشورهای دارای محیط اجتماعی متفاوت دارای انگیزه های ذاتی متفاوتی برای پرداخت مالیات، روحیه مالیات دهی متفاوت (آلم و تورگلر، ۲۰۰۶)، و تقبل مالیاتی متفاوت (آلم و همکاران، ۱۹۹۵؛ کامینگز و همکاران، ۲۰۰۹) هستند. به طور مشابه، شواهدی نیز وجود دارد که مدیران بر تصمیمات شرکت تأثیر می گذارند (برتراند و سچوار، ۲۰۰۳) که شامل تصمیمات اجتناب مالیاتی شرکت (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰) است. اما آنها خودشان توسط همتایان اجتماعی محل فعالیت شرکت مانند همسایگان، اعضای باشگاه های اجتماعی، فرهیختگان جامعه و غیره تحت تأثیر قرار می گیرند (هیلاری و هوی، ۲۰۰۹؛ مک گویر و همکاران، ۲۰۱۱). بر این اساس، سرمایه اجتماعی، در قالب هنجارهای

مدنی، می‌تواند یک پیوند طبیعی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها برقرار نماید. دلیل این است که هنجارهای مدنی منجر به ایجاد رفتارهای همکاری اجتماعی در انتظارات ذهنی - اجتماعی مردم می‌شود.

از آنجا که وظیفه اجتماعی برای پرداخت مالیات، بار انتظاراتی اجتماعی پدید می‌آورد و همچنین هنجارهای مدنی بر وظایف اجتماعی و رفتارهای اجتماعی تعاملی تأکید می‌کنند، افرادی که در جوامع با سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی و هنجارهای مدنی قوی قرار دارند، احتمالاً اجتناب مالیاتی را عاملی در تضاد با ارزش‌های مرتبط با هنجارهای اجتماعی می‌دانند. شواهدی وجود دارد که افراد مالیات دهنده در مواقعی که روحیه مالیات‌دهی بالاتری در محیط خارجی وجود داشته باشد، از پرداختن مالیات کمتر از حد خود اجتناب می‌کنند (آلم و تورگلر، ۲۰۰۶؛ کامینگز و همکاران، ۲۰۰۹). این به نوبه خود بدین معناست که انتظار می‌رود مدیران شرکت‌هایی که مکان فعالیت آنها در جوامع با سرمایه اجتماعی بالا است، در مقایسه با مدیران شرکت‌هایی که مکان فعالیت آنها در جوامع با سرمایه اجتماعی پایین است و اقدام به اجتناب مالیاتی می‌کنند، هزینه‌های روانی بالاتر (اراد و فینستین، ۱۹۹۴) و مجازات‌های اجتماعی بالاتری (کولمن، ۱۹۸۸) را متحمل شوند. هزینه‌های روانی شامل ناراحتی‌های درونی همچون احساس گناه، شرم و سایر احساسات اخلاقی آزار دهنده است. الستر (۱۹۸۹) استدلال می‌کند که هزینه‌های روانی حتی زمانی که رفتارها به صورت واقعی انجام نشده باشند نیز وجود دارند. مجازات‌های اجتماعی شامل طرد اجتماعی (اوهلانر، ۱۹۸۹) و بدنامی (پوسنر، ۲۰۰۰) هستند. این هزینه‌های داخلی و خارجی برای خودپنداری مدیران و روابط اجتماعی آنها با توجه به هم‌تایان اجتماعی موجود در حوزه جغرافیایی شرکت، عذاب دهنده است (کیالدینی و تروست، ۱۹۹۸). در نتیجه، آنها می‌توانند منجر به افزایش هزینه‌های حاشیه‌ای ناشی از اجتناب مالیاتی شده و باعث ایجاد انگیزه برای مدیران شرکت‌هایی شوند که در جوامع با سرمایه

اجتماعی بالا فعالیت می‌کنند تا از رفتارهای اجتناب مالیاتی خودداری کرده و رفتارهایی را از خود نشان دهند که با هنجارهای مدنی و انتظارات اجتماعی هم‌تایان اجتماعی در آن جوامع سازگار باشد (کوهلبرگ، ۱۹۸۴).

از طرفی دیگر اگر چه مردم در جوامع خود، به‌ویژه افرادی که در جوامع با سرمایه اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، ممکن است اجتناب مالیات شرکت را به عنوان انحراف در قوانین ببینند، ولی همه افراد داخل شرکت ممکن است چنین اعتقادی نداشته باشند. علاوه بر این، مدیران و هدایت‌کنندگان شرکت می‌خواهند باور داشته باشند که شرکت‌ها، کارایی بیشتری نسبت به دولت در تخصیص منابع دارند و پرداخت مالیات توسط شرکت‌های بزرگ به دولت را روشی غیرموثر در ارتقای رفاه اجتماعی بدانند که موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود. در نهایت، این دیدگاه‌ها می‌تواند بر «ذهنیت مالیاتی» برخی از هم‌تایان شرکت‌های بزرگ تأثیر بگذارد. برخی از اجزای شرکت از جمله سهامداران، مدیران، افراد اجرایی، همکاران آینده شرکت، همگی به فکر تقسیم سود هستند و اقدامات به حداقل رساندن مالیات را به عنوان ابزار قابل قبولی برای انجام فعالیت‌های تجاری خود نگاه می‌کنند و به دنبال استراتژی‌های کاهنده مالیاتی برای شرکت هستند.

این یک اصل پذیرفته شده است که همه مالیات دهندگان از جمله شرکت‌ها ممکن است فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای تنظیم کنند که حداقل مالیات را بر طبق قانون پرداخت کنند (ویسباج، ۲۰۰۱). علاوه بر این، شواهد زیادی وجود دارد که مدیران و راهبران شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ اقتصادی اقدامات کاهنده مالیاتی را انجام می‌دهند؛ همچنین به بهانه تعهد به سهامداران، هم‌تایان شرکت دارای چنین ذهنیت مالیاتی هستند که کاهش دادن مالیات به عنوان یک نوع پس انداز برای سهامداران محسوب شده و برای آنها منفعت دارد (حسن و همکاران، ۲۰۱۷).

همان‌طور که همتایان اجتماعی می‌توانند بر مدیران تأثیر بگذارند، به همین شکل ذهنیت مالیاتی همتایان شرکتی نیز می‌توانند تحت تأثیر قرار بگیرد. به این ترتیب، هنگام تصمیم‌گیری در مورد مالیات شرکت، مدیران می‌توانند با دو هنجار متناقض مواجه شوند: هنجارهای مدنی ناشی از همتایان اجتماعی اطراف محل فعالیت شرکت و ذهنیت مالیاتی ناشی از ذهنیت مالیاتی همتایان شرکت.

روانشناسان اجتماعی مانند **کیالدینی و همکاران (۱۹۹۱)**، دریافتند که یک هنجار اجتماعی ممکن است روی رفتار یک شخص اثر نگذارد، مگر اینکه در موقعیت ویژه‌ای قرار گیرد. علاوه بر این، هنگامی که یک فرد با هنجارهای متضاد مواجه می‌شود، رفتار کسی که موقعیت ویژه و برجسته‌تری دارد به گروه اجتماعی‌ای بستگی دارد که فرد در آن تعریف شده است (**تری و هاگ، ۱۹۹۶؛ تری و همکاران، ۱۹۹۹**). این مسئله به این دلیل است که رفتارهای فردی تلاش‌هایی هدفمند در جهت ایجاد و حفظ روابط اجتماعی و خودپنداره هستند که با توجه به اعضای گروه اجتماعی، خود شخص با آنها تعریف می‌شود (**کیالدینی و تراست، ۱۹۹۸**).

در این جهت، چنانچه تأثیرات ذهنیت مالیاتی همتایان شرکت در میان بخش‌های مختلف برای شرکت طاق‌فرسا و فشارآور باشد، آن همتایان اجتماعی تأثیرات کم و ناچیزی بر روی تصمیمات مربوط به مالیات شرکت خواهند گذاشت و تصمیمات مالیاتی شرکت باید به گونه‌ای پایدار در جهت فعالیت‌های کمتر از واقع نشان دادن مالیات برای اجتناب از مالیات باشد. با این اوصاف، سطح سرمایه اجتماعی که در اطراف محل فعالیت شرکت وجود دارد، می‌تواند رابطه اندک یا غیرسیستماتیکی با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت داشته باشد.

به طور کلی انتظار می‌رود که رابطه‌ای منفی بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به دلایل زیر وجود داشته باشد. دلیل اول این است که محیط اجتماعی بر باورهای فردی و رفتاری مربوط به مناسب بودن پرداخت مالیات تأثیر می‌گذارد (**آلم و تورگلر، ۲۰۰۶**؛

کامینگز و همکاران، ۲۰۰۹). دومین دلیل این است که مدیران بر تصمیمات شرکت تأثیر می‌گذارند (برتراند و سکوار، ۲۰۰۳) و آنها نسبت به تأثیرات همتایان اجتماعی در اطراف محل فعالیت شرکت مانند همسایگان، تعداد باشگاه‌های اجتماعی، و فرهیختگان جامعه حساس و هوشیار هستند (به عنوان مثال، هیلاری و هوی، ۲۰۰۹؛ مک‌گویر و همکاران، ۲۰۱۱). سومین دلیل این است که یک باور عمومی وجود دارد که همه شهروندان از جمله شرکت‌ها، یک وظیفه مدنی برای پرداخت مالیات دارند.

با توجه به مبانی نظری بیان شده برای پژوهش حاضر از یک فرضیه استفاده شده است که از طریق دو آزمون به صورت جدا، تأیید یا رد شدن آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه پژوهش: بین سرمایه اجتماعی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

لیسمونت و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی تحت عنوان «پیش‌بینی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل ارتباطات اجتماعی» به این نتیجه دست یافتند که داشتن اعضای هیئت مدیره‌ای که ارتباطی با شرکت‌های با مالیات پایین ندارند، احتمال انجام اعمال اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، ارتباط داشتن با شرکت‌های دارای مالیات کم، احتمال کاهش دادن مالیات را افزایش می‌دهد. خیا و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهش خود که به بررسی تأثیر محیط اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های چینی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اعتماد اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش اقدامات کاهنده مالیاتی شود، زیرا محیط اجتماعی دارای اعتماد بالا می‌تواند تضاد منافع سازمان را کاهش داده و به گونه‌ای عمل کند که اجتناب از پرداخت مالیات کاهش یابد.

حسن و همکاران (۲۰۱۷)، با بررسی سطوح سرمایه اجتماعی در ایالت‌های کشور ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های آمریکایی، به این نتیجه رسیدند که ارتباطی منفی و معنادار بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی که توسط نرخ مؤثر مالیاتی و تفاوت آن با نرخ دفتری مالیات محاسبه شده بود، وجود دارد. همچنین آنها به شواهدی دست یافتند که بیان می‌کرد، شرکت‌هایی که نقل مکان کرده‌اند و با سرمایه اجتماعی بالاتری مواجه شده‌اند، اقدامات اجتناب مالیاتی به مراتب کمتری را انجام داده‌اند. **لوگویر و همکاران (۲۰۱۵)**، در پژوهش خود که به بررسی تأثیر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی نمونه‌ای از شرکت‌های فرانسوی بر روی رفتارهای اجتناب مالیاتی پرداختند، دریافتند که رفتارهای اجتناب مالیاتی تحت تأثیر ماهیت فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت قرار دارند.

هوی و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی بر فرار مالیاتی شرکت‌ها پرداختند که نتایج آنها بیانگر رابطه‌ای منفی بین میزان فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی بود و هر اندازه شرکت‌ها فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بیشتری را انجام دهند، فرار مالیاتی آنها کمتر خواهد بود. **تساکومیس و همکاران (۲۰۰۷)**، با بررسی تأثیر فرهنگ ملی بر فرار مالیاتی در نمونه‌ای از ۵۰ کشور به این نتیجه رسیدند که فرهنگ هر کشور بر میزان فرار مالیاتی مردم آن کشور تأثیر می‌گذارد و برای کشورهای با فرهنگ‌های متفاوت این میزان تغییر می‌کند. **آلم و تورگلر (۲۰۰۶)**، در پژوهشی اقدام به مقایسه روحیه مالیات دهی جوامع آمریکایی و اروپایی کردند. نتایج آنها بیانگر این بود که در کشورهایی که روحیه مالیات‌دهی بالاتری حاکم است، اقدامات کمتری برای اجتناب مالیات صورت می‌گیرد و مالیات‌های بیشتری پرداخت می‌شود.

در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی در حوزه اجتناب مالیاتی و سرمایه اجتماعی انجام شده است، اما هیچ کدام به بررسی تأثیر عامل بیرونی شرکت همچون سرمایه اجتماعی در سطح

کلان بر اجتناب مالیاتی نپرداخته‌اند. در زیر برخی از پژوهش‌هایی که در حوزه سرمایه اجتماعی در حسابداری انجام شده است، بیان می‌گردد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و حق‌الزحمه حسابرسی» که با استفاده از شاخص‌های شناختی (دین‌داری، ارزش‌های خانوادگی، جمع‌گرایی) و ساختاری (رابطه با سایر شرکت‌ها و رابطه با دولت) انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که سرمایه اجتماعی ناشی از دین‌داری، جمع‌گرایی و رابطه با سایر شرکت‌ها، بر حق‌الزحمه حسابرسی اثر منفی و معناداری می‌گذارد ولی برای سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی که شامل ارزش‌های خانوادگی و رابطه با دولت است، اثر معناداری مشاهده نشد.

کریمی قلعه سیدی و صالحی (۱۳۹۶)، در پژوهشی که اثر تغییرات سرمایه اجتماعی را بر توسعه حسابداری مورد بررسی قرار دادند، به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های مختلف توسعه تمدن مانند تکامل، اشاعه، فرهنگ‌پذیری، شهری شدن و صنعتی شدن بر توسعه حسابداری تأثیر گذارده و نهایتاً موجب تغییر در نحوه اندازه‌گیری و گزارشگری رویدادهای مالی شده است. **توکلی و همکاران (۱۳۹۳)**، در پژوهشی که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های سرمایه فکری پرداختند و در آن از روش پرسشنامه‌ای استفاده شده بود به این نتیجه دست یافتند که سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های سرمایه فکری شامل سرمایه ساختاری، انسانی و رابطه‌ای اثر معناداری می‌گذارد.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در کشورهای خارجی می‌توان عنوان کرد که سرمایه اجتماعی بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثر می‌گذارد، ولی در ایران تا به حال چنین پژوهشی انجام نشده است و این خلاء پژوهشی در داخل احساس می‌شود که سرمایه اجتماعی در سطح کلان چه تاثیری می‌تواند بر اجتناب مالیاتی شرکت داشته باشد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش قیاسی - استقرایی استفاده شده است. در روش قیاسی، مبانی نظری مربوط به متغیرهای پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت تا بر اساس روش‌های مناسب، مقادیر متغیرهای مورد نظر به دست آید و در مرحله بعد از روش استقرایی برای بررسی معناداری و یا عدم معناداری ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت استفاده می‌شود. روش پژوهش از لحاظ هدف، بنیادی و تحقیقی شبه تجربی و پس رویدادی است، زیرا اطلاعات مورد استفاده در آن مربوط به گذشته است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

دوره زمانی پژوهش ۱۲ سال، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ است و جامعه آماری پژوهش نیز شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری حذفی و در صورت دارا بودن شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. تا پایان اسفند سال ۱۳۸۳ جزو شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد.
 ۲. سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد و در طول دوره زمانی پژوهش تغییری نکرده باشد.
 ۳. شرکت‌ها جزو بانک‌ها و مؤسسات مالی (همچون سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد.
 ۴. شرکت مورد نظر در طول دوره پژوهش، زیان‌ده نبوده باشد.
 ۵. اطلاعات مورد نیاز در رابطه با این گونه شرکت‌ها در دسترس باشد.
- با توجه به موارد بالا تعداد ۱۰۳ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

الگوی مربوط به فرضیه پژوهش

برای پژوهش انجام شده از الگوی **حسن و همکاران (۲۰۱۷)** استفاده شد که با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی از دو طریق مورد آزمون قرار گرفته است، آزمون‌های پژوهش در دو حالت انجام شد. الگوی اصلی پژوهش به صورت زیر است:

$$\begin{aligned}
 Tax\ Avoidance_{i,t} &= \alpha + \beta_1 Social\ capital_t + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 M/B_{i,t} \\
 &+ \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 Cash\ holding_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} \\
 &+ \beta_7 Equity\ income_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 Intangible\ assets_{i,t} \\
 &+ \beta_{10} Median\ income_t + \varepsilon
 \end{aligned}
 \tag{1}$$

که در آن، Tax Avoidance به دو صورت مورد اندازه گیری قرار گرفته است (اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات (TA_ETR) و اجتناب مالیاتی بر اساس وجوه نقد پرداختی (TA_CETR) و در زیر نحوه اندازه گیری آنها بیان شده است.

اجتناب مالیات بر اساس هزینه مالیات (TA_ETR): متغیر وابسته پژوهش که برابر است با نسبت تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات به مجموع دارایی های دوره قبل.

اجتناب مالیات بر اساس وجوه نقد پرداختی (TA_CETR): متغیر وابسته پژوهش است که برابر است با نسبت تفاوت وجوه نقد پرداختی بابت مالیات و سود مشمول مالیات به مجموع دارایی های دوره قبل.

سرمایه اجتماعی (Social Capital): شاخص سرمایه اجتماعی که برای آن از ۱۱ مؤلفه که در بالا بیان شد، برای سال t استفاده شده است.

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت برای شرکت i در سال t.

ارزش بازار به دفتری (M/B): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در سال t.

اهرم (Leverage): اهرم شرکت که برابر است با بدهی های بلندمدت تقسیم بر دارایی های سال قبل برای شرکت i در سال t.

نگهداشت نقدی (Cash Holding): نگهداشت نقدی که برابر است با مانده وجوه نقد شرکت در ترازنامه، تقسیم بر دارایی های سال قبل برای شرکت i در سال t.

بازده دارایی ها (ROA): بازده دارایی ها که برابر است با ۱۰۰ ضرب در سود خالص تقسیم بر دارایی های دوره قبل برای شرکت i در سال t.

درآمد سرمایه‌گذاری (Equity Income): درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌هاست که برابر است با سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها تقسیم بر دارایی‌های دوره قبل برای شرکت i در سال t. اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE): برابر است با اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات تقسیم بر دارایی‌های دوره قبل برای شرکت i در سال t. دارایی‌های نامشهود (Intangible Assets): برابر است با دارایی‌های نامشهود تقسیم بر دارایی‌های سال قبل برای شرکت i در سال t. درآمد سرانه کشور (Median Income): برابر است با لگاریتم طبیعی درآمد یک خانوار در کشور برای سال t.

تعریف و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف) متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی: طبق پژوهش **دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰)**، اجتناب مالیاتی به گونه‌ای گسترده، شامل هر چیزی می‌شود که موجب کاهش سود قبل از مالیات شرکت می‌گردد. در این پژوهش از دو متغیر برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است. برای آزمون‌های پژوهش در قالب متغیر وابسته اول، از مالیات دفتری شرکت (ETR) استفاده شده است و برای متغیر وابسته دیگر از وجوه نقد پرداختی بابت مالیات (CETR) استفاده شده است. برای محاسبه اجتناب مالیاتی، همانند **دسا و دارماپالا (۲۰۰۶)** از نسبت تفاوت سود حسابداری و درآمد مشمول مالیات به مجموع دارایی‌های اول دوره استفاده شده است، که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. همچنین برای محاسبه اجتناب مالیاتی در قالب وجوه نقد پرداختی بابت مالیات، از تفاوت وجوه پرداختی بابت مالیات و درآمد مشمول مالیات بر سود قبل از مالیات استفاده شده است، که در اینجا نیز درآمد مشمول مالیات از تقسیم مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. **دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰)** استدلال

کردند که ETR نشان‌دهنده رویه‌های مورد استفاده شرکت‌ها برای کاهش دادن مالیات در گزارش‌های مالی است و CETR نیز نشان‌دهنده رویه‌هایی است که منجر به کاهش در پرداخت‌های نقدی مالیات می‌شود.

ب) متغیر مستقل

سرمایه اجتماعی: در این پژوهش برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی همچون شعبانی و همکاران (۱۳۹۲) از ۱۱ مؤلفه استفاده شده است. مؤلفه‌های مورد استفاده در این محاسبه عبارتند از: نرخ مشارکت اقتصادی، درصد مشارکت در انتخابات، سرقت، خودکشی، تصادف، ازدواج، طلاق، تعداد کانون فکری، تعداد تماشاگران سینما، تعداد افراد متقاضی رفتن به زیارت حج، و تعداد جرائم قضایی. برای جمع‌آوری این داده‌ها از سالنامه‌های آماری ارائه شده توسط درگاه ملی آمار ایران و پایگاه داده‌های معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری استفاده شده است.

این مؤلفه‌ها دربرگیرنده ۴ شاخص اصلی مشارکت، اعتماد، صداقت و امنیت اجتماعی هستند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲). سپس مانند مهرگان و همکاران (۱۳۹۱)، اطلاعات به دست آمده که برای شاخص سرمایه اجتماعی اثر مثبتی داشتند، برای سال‌های مختلف با استفاده از معادله زیر بین صفر تا یک نرمال شدند.

$$\frac{X_i - X_{min}}{X_{max} - X_{min}}$$

برای نرمال کردن مؤلفه‌های دیگر سرمایه اجتماعی که اثر منفی بر شاخص سرمایه

اجتماعی داشتند (مانند طلاق، جرائم و ...) از معادله زیر استفاده شده است:

$$\frac{X_i - X_{max}}{X_{min} - X_{max}}$$

در نهایت با جمع کردن مؤلفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، شاخص سرمایه اجتماعی برای سال t به دست آمد که به صورت تناوب ۱۲ ساله از آن برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده شد.

ج) متغیرهای کنترلی

همانند چن و همکاران (۲۰۱۰)، تعدادی از متغیرها که بر اجتناب مالیات شرکت‌ها تأثیر گذار بوده‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی کننده اندازه شرکت، سودآوری، نقدینگی، اهرم و فرصت‌های رشد در نظر گرفته شده‌اند. همچنین متغیر درآمد سرانه که کنترل کننده رفتارهای افراد دولتی است و بر شاخص سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به عنوان متغیر کنترلی مورد استفاده قرار گرفته است (پاتنام، ۱۹۹۵).

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

آمار توصیفی

جدول شماره ۱ بیانگر شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش است. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات و بر اساس مالیات پرداختی، عدد کوچکی است که شاید می‌تواند بیانگر این نکته باشد که میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌های بورسی یا شرکت‌های نمونه کم است. مقدار صفر برای متغیر اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات بیانگر این است که سود حسابداری و درآمد مشمول مالیاتی برابر است. پایین بودن انحراف معیار متغیرهای مربوط به اجتناب مالیاتی نشان دهنده این نکته است که اکثر شرکت‌های نمونه درگیر اجتناب مالیاتی بوده‌اند. نزدیک بودن میانگین و میانه برای متغیرهای وابسته پژوهش و پایین بودن انحراف معیار آن‌ها نشان دهنده مناسب بودن توزیع این متغیرها است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

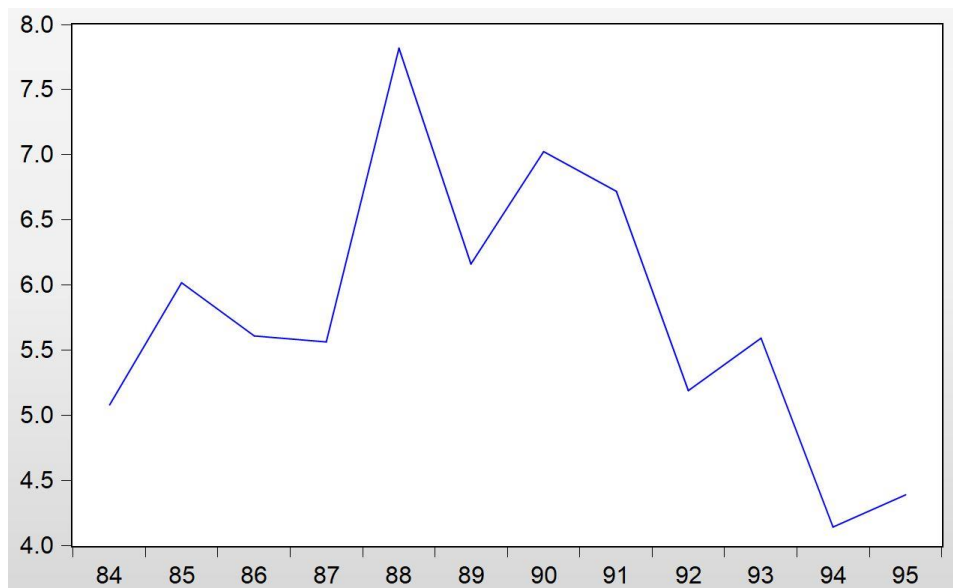
متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات	۰/۰۹۳	۰/۰۴۷	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۱۱۷
اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی	-۰/۱۴۹	-۰/۱۰۵	۰/۰۰۰	-۰/۷۴۴	۰/۱۵۹
سرمایه اجتماعی	۵/۷۷۶	۵/۶۱۱	۷/۸۲۱	۴/۱۳۹	۱/۰۱۶
اندازه شرکت	۶/۰۳۰	۵/۹۵۶	۷/۹۳۴	۴/۵۱۹	۰/۸۱۴
بازار به دفتری	۲/۹۶۴	۲/۳۲۹	۱۰/۳۱۰	۰/۲۴۳	۲/۱۶۷
اهرم	۰/۰۷۷	۰/۰۴۶۵	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸
نگهداشت نقدی	۰/۰۴۳	۰/۰۲۹	۰/۱۵۳	۰/۰۰۱	۰/۰۴۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۹۱	۰/۱۵۲	۰/۶۲۳	۰/۰۰۱	۰/۱۴۷
درآمد سرمایه‌گذاری	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۱/۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۲
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	۰/۲۸۴	۰/۲۳۵	۰/۸۷۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱
دارایی‌های نامشهود	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶
درآمد سرانه	۷/۹۴۶	۷/۹۲۹	۸/۳۶۴	۷/۴۶۳	۰/۲۸۴

میانگین سرمایه اجتماعی برای دوره ۱۲ ساله نمونه برابر با ۵/۷۷۶ بوده است که برای این پژوهش از ۱۱ مؤلفه مخصوص به کشور ایران استفاده شده است. بیشترین سطح سرمایه اجتماعی مربوط به سال ۱۳۸۸ بوده که برابر با ۷/۸۲۱ اندازه‌گیری شده است و پایین‌ترین میزان آن مربوط به سال ۱۳۹۴ است که برابر با ۴/۱۳۹ بوده است. این تغییرات بیانگر این نکته است که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۴ سرمایه اجتماعی کشور با کاهش شدید روبه‌رو بوده است. روند رو به کاهش سرمایه اجتماعی در ایران می‌تواند زنگ خطر برای کلیت جامعه باشد. اطلاعات بیشتر در مورد سرمایه اجتماعی در بخش بعدی به طور کامل بیان شده است. بیشترین پراکندگی با توجه به انحراف معیار مربوط به ارزش بازار به ارزش دفتری است که بیانگر این است که بازار نسبت به شرکت‌های انتخاب شده پژوهش که همگی در بازه زمانی مورد بررسی غیرزیان‌ده بوده‌اند، رفتارهای متفاوتی را نشان داده است.

روند سرمایه اجتماعی در ایران

شکل شماره ۱ تغییرات شاخص سرمایه اجتماعی را برای دوره پژوهش نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۸۴ در بالاترین سطح خود بوده است و برابر با ۴۱ درصد بوده است. این نرخ برای سال ۱۳۹۰ به ۳۶/۹ درصد کاهش یافته است و در طول دوره پژوهش کمترین میزان را داشته است. درصد مشارکت در انتخابات برای سال ۱۳۸۸ بالاترین میزان را داشته است و ۸۴/۸۳ درصد واجدین شرایط رأی، در انتخابات شرکت کردند. سرقت در کشور در سال ۱۳۸۶ بیشترین میزان را در دوره پژوهش داشته است و در این سال ۱۳۸,۹۰۲ مورد سرقت به نیروی انتظامی گزارش شده است. خودکشی در سال ۱۳۹۵، ۵,۲۲۵ مورد بوده است که بیشترین میزان در دوره پژوهش بوده و کمترین میزان آن برابر با ۲,۹۷۰ مورد در سال ۱۳۸۸ بوده است. بیشترین تعداد تصادفات جاده‌ای و شهری مربوط به سال ۱۳۸۵ بوده است که تعداد آن ۷۹۵,۲۰۵ مورد بوده است. تعداد ازدواج در سال ۱۳۸۹ برابر با ۸۹۱,۶۲۷ مورد بوده است که بیشترین تعداد ازدواج در طول دوره پژوهش بوده است. تعداد ازدواج از آن سال تا سال ۱۳۹۴ کاهشی مداوم را تجربه کرده است که برابر با ۶۸۵,۳۵۲ مورد بوده است. طلاق نیز در طول دوره پژوهش، هر ساله افزایش داشته است و در سال ۱۳۸۴ برابر با ۸۴,۲۴۱ مورد و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۷۹,۹۸۱ مورد بوده است. تعداد تماشاگران سینما در سال ۱۳۹۲ به کمترین سطح خود در طول دوره پژوهش رسیده است و برابر با ۷,۸۴۳,۰۰۰ نفر بوده است که البته در سال‌های بعد از آن رشد خوبی داشته است. تعداد جرائم در سال ۱۳۸۴ در اوج خود بوده است و برابر با ۱۱۰,۶۳۴ مورد به دستگاه قضایی گزارش شده است. تعداد کانون‌های فکری نیز در سال ۱۳۹۱ بیشترین میزان و در سال ۱۳۸۴ کمترین میزان را داشته‌اند. زائرین حج در سال ۱۳۸۵ برابر با ۹۲۸,۵۵۹ نفر بوده است که در دوره پژوهش بیشترین تعداد زائر در آن سال است و کمترین تعداد زائر نیز مربوط به سال ۱۳۹۵

بوده است که به دلایل مشکلات دیپلماتیک پیش آمده بین ایران و عربستان، هیچکس به حج نرفته است.



شکل شماره ۱. تغییرات سرمایه اجتماعی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵

همانطور که در شکل شماره ۱ مشاهده می شود، می توان عنوان کرد که سرمایه اجتماعی روندی کاهشی را در طی سال های اخیر طی کرده است. شاخص سرمایه اجتماعی برای سال ۱۳۸۴ برابر ۵/۰۸۱ بوده است که بعد از دوره ای افزایشی تا سال ۱۳۸۸ (مشابه با **مهرگان و همکاران، ۱۳۹۱**) به مقدار ۷/۸۲۰ رسیده است. بعد از سال ۱۳۸۸ این شاخص روندی کاهشی را طی کرده و در سال ۱۳۹۵ به ۴/۳۹۰ کاهش یافته است. با توجه به این موارد می توان عنوان کرد که کشور ما نیاز به فعالیت های اجتماعی بیشتری دارد تا از افت هر چه بیشتر آن در سال های آتی جلوگیری شود.

جدول شماره ۲. نتایج تخمین الگوی پژوهش در حالت اول

$$TA_ETR_{i,t} = \alpha + \beta_1 Social\ capital_t + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 M/B_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 Cash\ holding_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 Equity\ income_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 Intangible\ assets_{i,t} + \beta_{10} Median\ income_t + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۰۲۵	-۰/۳۹۵	۰/۶۹۳
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۰۱	-۰/۶۸۶	۰/۴۹۳
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴	-۳/۱۹۰	۰/۰۰۱
ارزش بازار به دفتری	۰/۰۰۲	۱/۹۶۵	۰/۰۵۰
اهرم	۰/۰۰۵	۰/۳۰۸	۰/۷۵۸
نگهداشت نقدی	-۰/۱۰۲	-۳/۲۱۶	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۵۳۳	۳۵/۸۴۶	۰/۰۰۰
درآمد سرمایه‌گذاری	۰/۰۰۹	۰/۴۴۶	۰/۶۵۶
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	۰/۰۱۲	۱/۲۹۵	۰/۱۹۵
دارایی‌های ثابت نامشهود	۰/۲۵۶	۱/۰۰۵	۰/۳۱۵
درآمد سرانه	۰/۰۲۰	۱/۸۸۴	۰/۰۶۰
ضریب تعیین		۰/۹۰۷	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۹۷	
آماره دوربین واتسون		۱/۹۶۲	
آماره فیشر		۸۸/۰۱۲	
سطح معناداری الگو		۰/۰۰۰	

تخمین فرضیه پژوهش با استفاده از الگوی پژوهش در حالت اول

به منظور بررسی معنادار بودن الگوی رگرسیونی از احتمال آماره F در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره F به دست آمده (۸۸/۰۱۲) و همچنین سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، با ضریب اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که الگو در کل از معناداری خوبی برخوردار است؛ همچنین به منظور بررسی معنادار بودن ضرایب همبستگی از احتمال آماره t در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. ضریب تعیین که در جدول شماره

۲ نشان داده شده است، برابر $0/907$ است و این میزان برای الگو حالت بسیار خوبی است و تا حد زیادی تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل تبیین می‌شود. با توجه به اینکه ضریب تعیین تعدیل شده برابر $0/897$ است نشان می‌دهد که متغیرهای انتخابی برای تخمین الگو به درستی انتخاب شده‌اند. با توجه به اینکه آزمون‌ها بیانگر وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌های الگو بود، اقدام به رفع خودهمبستگی بین باقیمانده‌های الگو شد و مقدار آماره دوربین و اتسون در جدول شماره ۲ برابر $1/962$ است که نشان می‌دهد بین باقیمانده‌های الگو خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه تخمین الگو در جدول شماره ۲ برای متغیرها در این حالت برای فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که ضریب متغیر سرمایه اجتماعی منفی است ($-0/001$) ولی این ضریب معنادار نیست ($0/493$). طبق جدول شماره ۲، ضریب متغیر مستقل در فرضیه پژوهش برای الگوی پژوهش در حالت اول برابر $0/001$ است که از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار نیست. در نتیجه با توجه به گفته‌های بالا می‌توان گفت که فرضیه پژوهش رد می‌شود. به عبارتی دیگر سرمایه اجتماعی رابطه‌ای با اجتناب مالیاتی ندارد.

همچنین نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که متغیر اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات، ارتباط منفی دارد ($-0/024$) و این ارتباط معنادار است ($0/001$). متغیر ارزش بازار به دفتری نیز با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات ارتباط مثبت داشته ($0/002$) که این ارتباط نیز معنادار است ($0/050$). متغیر اهرم شرکت نیز با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات ارتباط مثبتی دارد ($0/005$)، اما این رابطه معنادار نیست ($0/758$). نگهداشت نقدی شرکت با متغیر وابسته پژوهش، ارتباط منفی داشته ($-0/102$) و این ارتباط معنادار بوده است ($0/001$). بازده دارایی‌ها نیز ارتباط مثبتی با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات دارد ($0/533$) که این ارتباط نیز معنادار است ($0/000$). درآمد سرمایه‌گذاری، اموال و

ماشین آلات و تجهیزات، و دارایی‌های ثابت مشهود با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات ارتباط مثبتی دارند (به ترتیب ۰/۰۰۹، ۰/۰۱۲، ۰/۲۵۶) ولی ارتباط هیچکدام از این متغیرها معنادار نبوده است (به ترتیب ۰/۶۵۶، ۰/۱۹۵، ۰/۳۱۵). درآمد سرانه نیز با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات ارتباط مثبت داشته (۰/۰۲۰) و این ارتباط در سطح خطای ۱۰ درصد معنادار بوده است (۰/۰۶۰).

جدول شماره ۳. نتایج تخمین الگوی پژوهش در حالت دوم

$$TA_CETR_{i,t} = \alpha + \beta_1 Social\ capital_t + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 M/B_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 Cash\ holding_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 Equity\ income_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 Intangible\ assets_{i,t} + \beta_{10} Median\ income_t + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۱۰۴	-۱/۰۴۴	۰/۲۹۷
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۰۱	-۱/۱۱۹	۰/۲۶۳
اندازه شرکت	-۰/۰۳۸	-۳/۱۸۳	۰/۰۰۱
ارزش بازار به دفتری	۰/۰۰۳	۲/۰۶۶	۰/۰۳۹
اهرم	-۰/۰۰۲	-۰/۱۲۳	۰/۹۰۲
نگهداشت نقدی	-۰/۱۷۲	-۳/۸۰۶	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰/۵۱۷	-۱۵/۸۰۱	۰/۰۰۰
درآمد سرمایه گذاری	۰/۰۷۲	۲/۷۵۸	۰/۰۰۶
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	۰/۰۱۷	۱/۷۳۱	۰/۰۸۴
دارایی‌های ثابت نامشهود	۰/۲۳۴	۰/۶۱۶	۰/۵۳۸
درآمد سرانه	۰/۰۳۵	۲/۱۰۵	۰/۰۳۵
ضریب تعیین		۰/۸۹۴	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۸۳	
آماره دوربین - واتسون		۱/۹۲۷	
آماره فیشر		۷۶/۲۱۱	
سطح معناداری الگو		۰/۰۰۰	

تخمین فرضیه پژوهش با استفاده از الگو پژوهش در حالت دوم

جدول شماره ۳ نتایج آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از الگوی پژوهش در حالت دوم را نشان می دهد. ضریب تعیین آزمون برابر با ۰/۸۹۴ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۰/۸۸۳ است. همچنین نتایج مربوطه نشان دهنده مقدار ۷۶/۲۱۱ برای آماره F است که در سطح ۹۵ درصد (۰/۰۰۰) معنادار است. با توجه به این موارد می توان بیان کرد که الگوی پژوهش از معناداری کافی برخوردار بوده و نتایج پژوهش قابل تأیید است. همچنین با توجه به اینکه آزمون ها بیانگر وجود خودهمبستگی بین باقیمانده های الگو بود، اقدام به رفع خودهمبستگی بین باقیمانده های الگو شد و آماره دوربین واتسون نیز برابر ۱/۹۲۷ بوده است و نشان از این دارد که همبستگی بین باقیمانده های الگو وجود ندارد.

چنانچه سطح خطای قابل قبول در آزمون فرضیه پژوهش در حالت دوم را ۵ درصد در نظر بگیریم، با توجه به نتایج به دست آمده می توان عنوان کرد که ضریب سرمایه اجتماعی نشان دهنده ارتباط منفی بوده ولی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. لذا سرمایه اجتماعی با میزان مالیات پرداختی توسط شرکت ارتباط منفی دارد (۰/۰۰۳-) ولی این ارتباط معنادار نیست (۰/۲۴۸). با توجه به این نتیجه می توان گفت که فرضیه پژوهش در آزمون حالت دوم نیز رد می شود و به عبارتی دیگر بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی ارتباطی وجود ندارد.

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، متغیر اندازه شرکت ارتباطی منفی با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی دارد (۰/۰۳۸-) که این ارتباط در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده است (۰/۰۰۱). متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری نیز با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی دارای رابطه مثبت بوده (۰/۰۰۳) و این ارتباط نیز معنادار است (۰/۰۴۰). اهرم شرکت نیز با متغیر وابسته دارای ارتباط منفی بوده (۰/۰۰۲-)، ولی این ارتباط معنادار نبوده

است (۰/۹۰۲). نگاهداشت نقدی و بازده دارایی‌ها با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی ارتباط منفی داشته‌اند (به ترتیب ۰/۱۷۲-، ۰/۵۱۷-) که ارتباط هر دو متغیر با متغیر وابسته معنادار بوده است (به ترتیب ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰). ارتباط درآمد سرمایه‌گذاری با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی مثبت بوده است (۰/۰۷۲) که این ارتباط نیز معنادار بوده است (۰/۰۰۶). متغیر اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات نیز با متغیر وابسته، رابطه مثبت دارد (۰/۰۱۷) که این ارتباط در سطح خطای ۱۰ درصد معنادار بوده است (۰/۰۸۴). دارایی‌های ثابت نامشهود نیز ارتباط مثبتی با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی دارد (۰/۲۳۴)، ولی این ارتباط معنادار نبوده است (۰/۵۳۸). در نهایت درآمد سرانه با متغیر وابسته پژوهش ارتباط مثبت دارد (۰/۰۳۵) و این ارتباط معنادار بوده است (۰/۰۳۵).

با توجه به نتایج به دست آمده در تخمین‌های الگوی پژوهش و رد شدن فرضیه پژوهش در هر دو حالت، می‌توان عنوان کرد که سرمایه اجتماعی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران ارتباطی ندارد.

آزمون حساسیت با در نظر گرفتن اثرات سال و صنعت

همچنین در این پژوهش برای استحکام بیشتر نتایج حاصل شده، آزمون‌های حساسیت با استفاده از اعمال اثرات سال و صنعت انجام شده است. نتایج آزمون‌های انجام شده برای هر دو حالت اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی به ترتیب در زیر آمده است.

آزمون حساسیت برای نتایج حاصل از اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات
نتایج حاصل از آزمون حساسیت برای پشتیبانی نتایج حاصل از اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات در جدول شماره ۴ بیان شده است. نتایج حاصل از آزمون حساسیت نشان‌دهنده این موضوع است که متغیر سرمایه اجتماعی با اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات ارتباط منفی دارد (۰/۰۰۱-) ولی این ارتباط معنادار نبوده است (۰/۹۸۵). نتایج به دست آمده از

این آزمون نیز تأیید کننده نتایج حاصل آزمون الگوی پژوهش در حالت اول است که در آن نیز سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی دارای رابطه معنادار نبود.

جدول شماره ۴. نتایج تخمین الگوی پژوهش با محاسبه اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات

$$TA_ETR_{i,t} = \alpha + \beta_1 Social\ capital_t + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 M/B_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 Cash\ holding_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 Equity\ income_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 Intangible\ assets_{i,t} + \beta_{10} Median\ income_t + \beta_{11} IndustryDum + \beta_{12} YearDum + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۰/۱۵۰	۰/۲۵۱	۰/۸۰۱
سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۸	۰/۹۸۵
اندازه شرکت	۰/۰۱۵	۲/۷۱۸	۰/۰۰۷
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۰۳	-۰/۶۸۳	۰/۰۰۷
اهرم	۰/۰۳۶	۱/۴۰۸	۰/۱۵۹
نگهداشت نقدی	-۰/۱۰۹	-۲/۲۵۸	۰/۰۲۴
بازده دارایی‌ها	۰/۵۶۴	۳۴/۷۸۴	۰/۰۰۰
درآمد سرمایه گذاری	۰/۰۶۰	۲/۳۲۵	۰/۰۲۰
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	-۰/۰۱۵	-۱/۱۸۲	۰/۲۳۷
دارایی‌های ثابت نامشهود	۰/۳۴۲	۰/۹۰۵	۰/۳۶۵
درآمد سرانه	-۰/۰۲۴	-۰/۰۳۳	۰/۷۳۹
اثرات سال		YES	
اثرات صنعت		YES	
ضریب تعیین		۰/۷۹۱	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۸۶	
آماره دورین - واتسون		۲/۰۸۹	
آماره فیشر		۱۵۶/۶۶۳	
سطح معناداری الگو		۰/۰۰۰	

جدول شماره ۵. نتایج تخمین الگوی پژوهش با محاسبه اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی

$$TA_ETR_{i,t} = \alpha + \beta_1 Social\ capital_t + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 M/B_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 Cash\ holding_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 Equity\ income_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \beta_9 Intangible\ assets_{i,t} + \beta_{10} Median\ income_t + \beta_{11} IndustryDum + \beta_{12} YearDum + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۶	۰/۹۵۵۳
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۰۵	-۰/۷۰۴	۰/۴۸۱۳
اندازه شرکت	۰/۰۱۷	۱/۹۵۵	۰/۰۵۰۸
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۰۵	-۲/۸۴۷	۰/۰۰۴۵
اهرم	۰/۰۴۰	۰/۹۸۹	۰/۳۲۲۹
نگهداشت نقدی	-۰/۲۴۰	-۳/۱۳۱	۰/۰۰۱۸
بازده دارایی‌ها	-۰/۴۹۶	-۱۹/۳۱۷	۰/۰۰۰۰
درآمد سرمایه‌گذاری	۰/۱۵۴	۳/۷۸۹	۰/۰۰۰۲
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰/۰۱۱	-۰/۵۲۷	۰/۵۹۸۱
دارایی‌های ثابت نامشهود	۰/۹۰۵	۱/۵۱۶	۰/۱۲۹۷
درآمد سرانه	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۱	۰/۹۹۹
اثرات سال		YES	
اثرات صنعت		YES	
ضریب تعیین		۰/۷۱۵	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۰۸	
آماره دوربین-واتسون		۲/۰۳۸	
آماره فیشر		۱۰۴/۹۳۹	
سطح معناداری الگو		۰/۰۰۰	

آزمون حساسیت برای نتایج حاصل از اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی

نتایج حاصل از آزمون حساسیت برای پشتیبانی نتایج حاصل از اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات در جدول شماره ۵ بیان شده است. نتایج حاصل از آزمون حساسیت نشان‌دهنده این موضوع است که متغیر سرمایه اجتماعی با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات

پرداختی ارتباط منفی دارد (۰/۰۰۵-) ولی این ارتباط معنادار نبوده است (۰/۴۸۱). نتایج به دست آمده از این آزمون نیز تأیید کننده نتایج حاصل آزمون دوم است که در آن نیز سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی دارای رابطه منفی بود و ارتباط به دست آمده معنادار نبود. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون‌های حساسیت می‌توان عنوان کرد که نتایج بدست آمده که بیانگر رد فرضیه پژوهش بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اجتناب مالیاتی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است. پژوهش‌های مختلفی نیز در این باره انجام شده و بسیاری از آنها نیز تاثیرات متغیرهای درون سازمانی را بر میزان اجتناب مالیاتی بررسی کرده‌اند. اکثر پژوهش‌های انجام شده نیز به این نتایج رسیده‌اند که شرکت‌ها اجتناب مالیاتی را برای اهداف مختلفی که دارند، انجام می‌دهند. در این پژوهش تأثیر سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر خارج سازمانی بر اجتناب مالیاتی شرکت مورد بررسی قرار گرفت. برای اجتناب مالیاتی دو متغیر جداگانه که به ترتیب بیانگر اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات گزارش شده شرکت در صورت سود و زیان و اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی شرکت که در صورت جریان وجوه نقد گزارش می‌گردد، در نظر گرفته شد. نتایج به دست آمده در تخمین الگوی پژوهش در حالت اول بیانگر رد شدن فرضیه پژوهش بود. به عبارتی دیگر نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی که شرکت در آن فعالیت می‌کند در میزان اجتناب مالیاتی بر اساس هزینه مالیات شرکت تأثیری ندارد. نتایج نشان دادند که سرمایه اجتماعی با میزان فعالیت‌هایی که شرکت‌ها برای اجتناب از پرداخت مالیات انجام می‌دهند، ارتباطی ندارد.

از طرفی دیگر، آزمون‌های الگوی پژوهش در حالت دوم نیز که مورد آزمون قرار گرفت نشان داد که فرضیه پژوهش رد شده است. لذا می‌توان عنوان کرد که میزان سرمایه اجتماعی بر

مالیاتی که شرکت پرداخت می‌کند، تأثیر نمی‌گذارد. نتایج به دست آمده نشان داد سرمایه اجتماعی که شرکت در آن فعالیت می‌کند، با اجتناب مالیاتی بر اساس مالیات پرداختی ارتباطی ندارد. در نهایت برای تأیید نتایج آزمون‌های الگوی پژوهش در هر دو حالت از آزمون‌های حساسیت استفاده شد که نتایج بار دیگر از نتایج الگوی اصلی پژوهش پشتیبانی کردند. بنابراین، به طور کلی می‌توان انتظار داشت که در نمونه مورد بررسی، سرمایه اجتماعی که شرکت در آن فعالیت می‌کند بر تصمیمات داخل سازمانی مربوط به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تأثیرگذار نیست. رد شدن فرضیه پژوهش در هر دو حالت این نتیجه را حاصل می‌کند که فرضیه پژوهش رد می‌شود. نتایج به دست آمده با پژوهش انجام شده توسط **حسن و همکاران (۲۰۱۷)** که به بررسی تأثیر شاخص سرمایه اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های ایالات متحده آمریکا پرداخته بودند، همخوانی ندارد که این تفاوت می‌تواند به دلایلی باشد که در زیر بیان گردیده است.

دلایل عدم ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی را می‌توان این دانست که افراد داخل شرکتی اعتقاد ندارند که اجتناب مالیاتی انحراف از قوانین باشد، یا اینکه مدیران شرکت اعتقاد داشته باشند که شرکت‌ها کارایی بیشتری نسبت به دولت در تخصیص منابع دارند و پرداخت مالیات نمی‌تواند منجر به ارتقای رفاه اجتماعی شود. دلیل دیگر ممکن است این باشد که مدیران شرکت تصور می‌کنند کاهش دادن مالیات یک نوع پس انداز برای سهامداران بوده و برای آنها منفعت دارد (**حسن و همکاران، ۲۰۱۷**). جدای از این دلایل می‌توان برای عدم ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی دلایل روانشناسی در نظر گرفت و بیان کرد که یک هنجار اجتماعی ممکن است روی رفتار شخص اثرگذار نباشد (**کیالدینی و همکاران، ۱۹۹۱**).

با توجه به نتایج پژوهش و شاخص محاسبه شده برای سرمایه اجتماعی، به دولت پیشنهاد می‌شود که با توجه به حوزه‌هایی که منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده است (مانند نرخ ازدواج، جرائم و تصادفات)، سرمایه اجتماعی را افزایش دهد. همچنین به سازمان بورس توصیه می‌شود که ساز و کارهایی را تهیه کند که مدیران شرکت‌ها بیشتر به جوامعی که در آن فعالیت می‌کنند توجه داشته باشند.

برای پژوهش‌های آتی نیز به پژوهشگران توصیه می‌شود که تأثیر سایر شاخص‌های خارج سازمانی مانند شاخص‌های اقتصادی همچون تورم و رشد اقتصادی را بر تصمیمات درون سازمانی مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده پژوهشگران می‌توانند تأثیر متغیرهای محیطی همچون عدم اطمینان اقتصادی، ریسک و غیره را بر رابطه بین سرمایه اجتماعی و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار دهند. می‌توان برای پژوهش‌های آتی تأثیر سرمایه اجتماعی بر سایر متغیرهای درون سازمانی مانند نگهداشت نقدی، مدیریت سود و کیفیت سود نیز مورد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش مانند پژوهش‌های دیگری که در این حوزه یا سایر حوزه‌ها انجام شده است دارای محدودیت‌هایی است که برای تعمیم نتایج آن باید به این محدودیت‌ها توجه شود. این پژوهش دارای برخی از محدودیت‌های ذاتی و محدودیت‌های مکانی و زمانی بوده که در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند:

- برای انتخاب نمونه پژوهش شرایطی اعمال شده است که در هنگام تعمیم نتایج به سایر شرکت‌ها، باید احتیاط لازم رعایت گردد.
- بازه زمانی پژوهش محدود به ۱۲ سال (۱۳۸۴ الی ۱۳۹۵) است و ممکن است در بازه زمانی خارج از آن نتایج متفاوت با نتایج به دست آمده باشد.

یادداشت‌ها

1. Social Capital Assessment Tool (SCAT)
2. Center for Research & Learning in Regional Australia (CRLRA)

منابع

- الوانی، مهدی؛ شیروانی، علیرضا. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها. اصفهان، نشرمانی.
- توکلی، عبدالله؛ عزیزپور لیندی، عبدالصمد؛ رضایی، الهام؛ میرزایی، اشرف. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مؤلفه‌های سرمایه فکری (مورد مطالعه: اداره کل امور مالیاتی استان قم). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱(۲)، ۲۸۷-۲۶۵.
- حسنی القار، مسعود؛ شعری آناقیز، صابر. (۱۳۹۶). بررسی توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری، ۸(۱)، ۱۳۴-۱۰۷.
- رنانی، محسن؛ دلیری، حسن. (۱۳۸۸). آیا سرمایه اجتماعی واقعاً سرمایه است؟ راهبرد یاس، ۱۹، ۱۷۱-۱۴۷.
- رنانی، محسن؛ دلیری، حسن؛ مؤیدفر، رزیتا. (۱۳۸۹). نقش منابع معرفت و هویت در تشکیل سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۱۴۱-۱۰۵.
- شعبانی، احمد؛ نخلی، سیدرضا؛ شیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸(۲)، ۱۶۱-۱۲۷.
- کریمی قلعه‌سیدی، مریم؛ صالحی، اله‌کرم. (۱۳۹۷). اثرات تغییرات اجتماعی بر توسعه حسابداری. حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۸)، ۹۲-۷۹.
- مهربان‌پور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد؛ رجب‌بیککی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۲۸۸-۲۶۹.
- مهرگان، نادر؛ دلیری، حسن؛ شهانواز، سارا. (۱۳۹۱). برآورد روند سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۴)، ۲۴-۵.
- نجارزاده، رضا؛ عزتی، مرتضی؛ سلیمانی، محمد. (۱۳۹۳). اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در میان نخبگان استان تهران (با استفاده از تکنیک ژنراتور منابع). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۶)، ۱۰۴-۸۹.

References

- Alm, J., Sanchez, I., De Juan, A. (1995). Economic and noneconomic factors in tax compliance. *Kyklos-Berne-*, 48, 3.

- Alm, J., Torgler, B. (2006). Culture differences and tax morale in the United States and in Europe. *Journal of Economic Psychology*, 27(2), 224-246.
- Alvani, M., Shirvani, A. (2006). *Social Capital, Concepts, Theories and Applications*. Isfahan, Mani publication [In Persian].
- Bain, K., Hicks, N. (1998). Building social capital and reaching out to excluded groups: the challenge of partnerships. *World Bank*, 15(1), 13-25.
- Bertrand, M., Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169-1208.
- Buonanno, P., Montolio, D., Vanin, P. (2009). Does social capital reduce crime? *The Journal of Law and Economics*, 52(1), 145-170.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
- Cialdini, R.B., Kallgren, C.A., Reno, R.R. (1991). A focus theory of normative conduct: A theoretical refinement and reevaluation of the role of norms in human behavior. *In Advances in Experimental Social Psychology*, Academic Press, 24, 201-234
- Cialdini, R. B., & Trost, M. R. (1998). Social influence: Social norms, conformity and compliance. *The Handbook of Social Psychology*, 2, 151-192.
- Coleman, J. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 94 Supplement, S95-S120.
- Cummings, R.G., Martinez-Vazquez, J., McKee, M., Torgler, B. (2009). Tax morale affects tax compliance: Evidence from surveys and an art factual field experiment. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 70(3), 447-457.
- Desai, M.A., Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
- Dyreng, S.D., Hanlon, M., Maydew, E.L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163-1189.
- Elster, J. (1989). Social norms and economic theory. *Journal of Economic Perspectives*, 3(4), 99-117.
- Erard, B., Feinstein, J. (1994). *The Role of Moral Sentiments and Audit Perceptions in Tax Compliance* (No. 94-03). Carleton University, Department of Economics.
- Falk, I., Kilpatrick, S. (2000). What is social capital? A study of interaction in a rural community. *Sociologia Ruralis*, 40(1), 87-110.
- Fukuyama, F. (1999). Social Capital and Civil Society. *Prepared for Delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms*, <http://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.htm>.

- Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2004). The role of social capital in financial development. *American Economic Review*, 94(3), 526-556.
- Guiso, L., Sapienza, P., Zingales, L. (2011). Civic capital as the missing link. In *Handbook of Social Economics*, 1, 417-480
- Hasan, I., HOI, C.K.S., Wu, Q., Zhang, H. (2017). Does social capital matter in corporate decisions? Evidence from corporate tax avoidance. *Journal of Accounting Research*, 55(3), 629-668.
- Hasani Alghar, M., Sheri Anaghiz, S. (2017). Examination of the effects of the managerial ability on tax avoidance. *Journal of Accounting Knowledge*, 8(1), 107-134 [In Persian].
- Hilary, G., Hui, K.W. (2009). Does religion matter in corporate decision making in America? *Journal of Financial Economics*, 93(3), 455-473.
- Hoi, C.K., Wu, Q., Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88(6), 2025-2059.
- Karami Ghale Seyedi, M., Salehi, A. (2018). The effects of social change on accounting development. *Management Accounting*, 11(38), 79-92 [In Persian].
- Kholberg, L. (1984). The psychology of moral development: The nature and validity of moral stages. *Essays on Moral Development*, 2.
- Krishna, A., Shrader, E. (1999, June). Social capital assessment tool. In *Conference on Social Capital and Poverty Reduction*, 2224.
- Laguir, I., Staglianò, R., Elbaz, J. (2015). Does corporate social responsibility affect corporate tax aggressiveness? *Journal of Cleaner Production*, 107, 662-675.
- Lins, K.V., Servaes, H., Tamayo, A. (2017). Social capital, trust, and firm performance: The value of corporate social responsibility during the financial crisis. *The Journal of Finance*, 72(4), 1785-1824.
- Lismont, J., Cardinaels, E., Bruynseels, L., De Groote, S., Baesens, B., Lemahieu, W., Vanthienen, J. (2018). Predicting tax avoidance by means of social network analytics. *Decision Support Systems*, 108, 13-24.
- McGuire, S.T., Omer, T.C., Sharp, N.Y. (2011). The impact of religion on financial reporting irregularities. *The Accounting Review*, 87(2), 645-673.
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Ghomi, M., Rajabbeyki, M.A. (2018). Social capital and audit fees. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(2), 269-288 [In Persian].

- Mehregan, N., Daliri, H., Shahanavaz, S. (2013). An assessment of social capital trend in iran provinces. *Quarterly Journal of Economic Issues and Policies*, 20(64), 5-24 [In Persian].
- Najarzadeh, R., Ezzati, M., Soleimani, M. (2014). Measuring social capital among elites in tehran province (using resource generator model). *Quarterly Journal of: Economic Growth and Development Research*, 4(16), 89-104 [In Persian].
- Nan , L. (2004). *Social capital: A theory of social structure and action*. London: Cambridge University Press, 78- 91.
- Posner, E.A. (2000). Law and social norms: The case of tax compliance. *Virginia Law Review*, 1781-1819.
- Putnam, R.D. (1995). Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America. *PS: Political science & politics*, 28(4), 664-684.
- Putnam, R.D., Leonardi, R., Nanetti, R.Y. (1994). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton university press.
- Renani, M., Daliri, H. (2009). Is social capital really a capital? *Rahborde Yas*, 4(19), 147-171 [In Persian].
- Renani, M., Daliri, H., Moayedfar, R. (2010). Identity and knowledge sources role in social capital formations. *Social Welfare Quarterly*, 10(38), 105-140 [In Persian].
- Rupasingha, A., Goetz, S.J., Freshwater, D. (2006). The production of social capital in US counties. *The Journal of Socio-Economics*, 35(1), 83-101.
- Scrivens, K., Smith, C. (2013). *Four Interpretations of Social Capital: An Agenda for Measurement* (No. 2013/6). OECD Publishing.
- Shabani, A., Nakhli, S.R., Sheykhani, M. (2013). The effect of social capital on human development. *The Journal of Planning and Budgeting*, 18(2), 127-161 [In Persian].
- Tavakoli, A., Azizpor Lindi, A., Rezai, E., Mirzaei, A. (2015). Assessing effect social capital to intellectual capital components (case: office of Qom tax affairs). *Social Capital Management*, 1(2), 265-287 [In Persian].
- Terry, D.J., Hogg, M.A. (1996). Group norms and the attitude-behavior relationship: A role for group identification. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22(8), 776-793.
- Terry, D.J., Hogg, M.A., White, K.M. (1999). The theory of planned behavior: Self-identity, social identity and group norms. *British Journal of Social Psychology*, 38(3), 225-244.

- Tsakumis, G.T., Curatola, A.P., Porcano, T.M. (2007). The relation between national cultural dimensions and tax evasion. *Journal of International Accounting, Auditing And Taxation*, 16(2), 131-147.
- Uhlener, C.J. (1989). Rational turnout: The neglected role of groups. *American Journal of Political Science*, 33(2), 390-422.
- Weisbach, D.A. (2001). Ten truths about tax shelters. *The Tax Law Review*, 55, 215.
- Xia, C., Cao, C., Chan, K.C. (2017). Social trust environment and firm tax avoidance: Evidence from China. *The North American Journal of Economics and Finance*, 42, 374-392.